

# استرداد اموال تاراج شده در حقوق بین الملل مبارزه با فساد

محمد شریف شاهی \*

آمنه دهشیری \*\*

قدرت الله نوروزی \*\*\*

## چکیده

تاراج اموال گونه‌ای از فساد است که در آن بخشی از منابع و دارایی‌های عمومی یا خصوصی توسط کارگزاران عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی تصرف شده و در جهت منافع نامشروع مورد استفاده قرار می‌گیرد. تبعات منفی این پدیده و به کارگیری اموال تاراج شده در فرایندهای مجرمانه بین‌المللی نظیر، تروریسم، قاچاق و جنگ‌افروزی سبب جلب توجه حقوق بین الملل به این مقوله شده است. کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با فساد به عنوان مهم‌ترین منبع هنجاری مبارزه با فساد، ضمن جلب توجه به ضرورت جرم‌انگاری حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال عمومی، ثروت‌اندوزی نامشروع و اختفای اموال، دولت‌ها را به اقدامات عملی برای همکاری حقوقی متقابل و استرداد اموال دعوت می‌کند. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی نهادهای بین‌المللی و با تأکید بر رویه‌ی عملی سوئیس و فرانسه، نظام حقوقی ناظر بر استرداد اموال تاراج شده مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مقاله نشان می‌دهد که ضمن پایه‌گذاری راهکارهای مؤثر مبارزه با فساد، معاضدت قضایی در پرونده‌های استرداد اموال در حال توسعه است. همچنین لزوم انسداد دارایی‌های مشکوک، تصویب قوانین اعاده دارایی‌های تاراج شده، جرم‌انگاری ثروت‌اندوزی نامشروع و انعقاد معاهدات و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر استرداد اموال ضرورت توسعه نظام بین‌المللی مبارزه با فساد است. از نقطه نظر داخلی نیز با تمرکز بر موضوع استرداد دارایی‌های تاراج‌رفته در پرونده‌های فساد مالی در کشور، می‌توان نتایج موفقیت‌آمیزی کسب کرد.

## واژگان کلیدی

فساد، تاراج اموال، استرداد اموال، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد

---

\* استادیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
Email: msshayan1@gmail.com

\*\* دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه عالی سنت آنا، پیزا، ایتالیا

\*\*\* استادیار حقوق عمومی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۴/۲/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۷۸ / بهار ۱۳۹۵ / صص ۲۹۸-۲۷۵

## جستارگشایی

تحصیل منافع خارج از قاعده، بی‌جا و برخلاف هنجارهای اخلاقی و قانونی که از آن با عنوان کلی فساد یاد می‌شود، امروزه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شناسایی شده است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۲۹). فساد بر تمام جنبه‌های زندگی افراد جامعه اثر می‌گذارد. رشد اقتصادی را سرکوب و مشکلات ناشی از فقر را افزایش می‌دهد، با افزایش هزینه‌های کسب‌وکار از راه پرداخت‌های نامشروع یا ضبط و تاراج اموال، توسعه اقتصادی را مخدوش می‌کند (نواده توپچی، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

افزایش روزافزون فساد و آثار مخرب آن سبب شده است که در تمامی سطوح داخلی و بین‌المللی مبارزه با فساد ضرورتی اساسی قلمداد شود. امروزه مبارزه با فساد، کلیدواژه اساسی برنامه‌های توسعه شناخته می‌شود؟ چرا که فساد، به دلیل تعمیق نابرابری‌ها، ثبات جوامع را به خطر افکنده، باعث مشروعیت‌زدایی از دولت می‌شود (OECD, 2009).

تاراج اموال و دارایی‌ها، یکی از مصادیق جدی فساد است که بخش زیادی از ثروت کشورها، خاصه کشورهای در حال توسعه را ناپدید می‌کند. در سه مورد از بزرگ‌ترین مثال‌های تاراج اموال، تخمین زده می‌شود مقادیر غارت‌شده از فیلیپین، هائیتی و نیجریه از ۵۰۰ میلیون تا ۵ میلیارد دلار بوده است. از آنجا که معمولاً دارایی‌ها را کارشناسان و در زمان کافی و برای کنترل دستگاه حاکم در دوران نظام‌های فاسد به خوبی پنهان کرده‌اند، ارزیابی دقیق کل عواید غیرممکن است (لانگست، ۱۳۸۷: ۸۰۹-۸۰۸). بر اساس تخمین دفتر مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد<sup>۱</sup>، بین ۶۰۰ میلیارد تا ۱/۸ تریلیون دلار میزان پول‌هایی است که به صورت غیرقانونی هر سال در جهان تظهير شده‌اند، بخش اعظم آن پول‌هایی بوده است که از طریق فساد کارگزاران سیاسی-اداری تاراج شده‌اند (UNODC, 2013).

خسارت جبران‌ناپذیر تاراج اموال و پیامدهای آن بر ثبات، حاکمیت قانون و توسعه در سطح داخلی و تقویت جرائم سازمان یافته، تروریسم و قاچاق در سطح بین‌المللی سبب شده است که مبارزه با تاراج اموال و دارایی‌ها و استرداد آنها محور برنامه‌های حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد قرار گیرد. کنوانسیون علیه فساد سازمان ملل متحد چارچوب حقوقی لازم برای همکاری بین‌المللی را در فرایند مبارزه با فساد و استرداد اموال ناشی از آن ارائه می‌دهد. این کنوانسیون در دسامبر سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد. محوریت موضوع استرداد اموال در این کنوانسیون حوزه‌ای جدید در حقوق و همکاری‌های بین‌المللی ایجاد کرده که نقطه قوت و به تعبیری رکن اساسی این کنوانسیون است.

پس از آن ابتکار برای بازگشت اموال دزدیده شده (استار)<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۷ از سوی بانک جهانی و دفتر مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد تأسیس شد. استار مجموعه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی به منظور ارتقای میزان تصویب، بومی‌کردن و اجرای مقررات کنوانسیون ضد فساد، به‌ویژه اجرایی‌شدن مقررات فصل پنجم کنوانسیون (استرداد اموال) است که برای نخستین بار چنین چارچوب جامع و ابتکاری مطرح شده است.

با تمام تلاش‌های صورت گرفته، استرداد اموال با پیچیدگی‌های خاص اجرایی و حقوقی روبه‌رو است. پیچیدگی‌هایی که از خروج اموال از یک کشور، ورود، نگهداری و مدیریت آن در حوزه صلاحیت قضایی دیگر کشورها ایجاد می‌شود. بخشی از پیچیدگی نیز علاوه بر دولت‌ها، به سیاست‌ها و مقررات ناظر بر نهادهای خصوصی مانند بانک و نگاه‌های مالی باز می‌گردد که در بحث استرداد اموال تراج شده باید در نظر گرفته شوند.

فائق‌آمدن بر این پیچیدگی‌ها و اجرای مقررات بین‌المللی در این سطح نیاز به تربیت کارشناسان و تقویت همکاری‌های قضایی در سطح بین‌المللی دارد. این نوشتار به دنبال شناسایی، تشریح ظرفیت و راهکارهای پیش‌بینی‌شده در حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد برای تسهیل بازگرداندن اموال به کشور مال‌باخته است.

رهاورد این آگاهی برای ایران حائز اهمیت ویژه است. ایران در زمره نخستین کشورهای امضاکننده کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد است، ضمن آن‌که خود از قربانیان تراج اموال بوده است. با آگاهی از حقوق بین‌الملل استرداد اموال می‌توان از ظرفیت‌های جهانی مبارزه با فساد به بهترین شکل بهره برد و ضمن تضمین امنیت اقتصادی کشور در مسیر توسعه، راهکارهای مؤثری برای استرداد دارایی‌های تراج‌شده شناسایی کرد. برای این منظور، شناخت مبانی ناظر بر طرح موضوع تراج دارایی‌ها در حقوق بین‌الملل مهم است. این مبانی چنانچه اشاره خواهد شد، بر محور ارتباط موضوع فساد مالی و خاصه تراج دارایی‌ها با موضوعات معاصر نظام حقوق بین‌الملل از جمله امنیت، حقوق بشر و گذار به عدالت استوار شده است. به دیگر سخن، در طراحی راهبردهای احتمالی برای استرداد اموال تراج‌شده با در نظر داشتن مبانی مذکور، افزون بر کنوانسیون مبارزه با فساد، می‌توان استنادات قابل قبولی بر اساس مبانی مذکور ارائه کرد.

در جنبه روشی نیز، از آنجا که در هر صورت طرح دعاوی استرداد اموال تراج‌شده باید بر اساس شناخت ظرفیت‌های حقوقی کشورهای مقصد اموال (عمدتاً اروپایی) صورت گیرد، توجه

به رویه‌های عملی که ناظر بر مفاد کنوانسیون مبارزه با فساد در پرونده‌های موفق استرداد اموال اتخاذ شده، حائز اهمیت است.

بر این اساس، نوشتار حاضر، در بخش اول به ارائه تعریف از مفاهیم اصلی مورد بحث چون «اموال تاراج‌شده» و «استرداد اموال تاراج‌شده» پرداخته، ضمن اشاره به مفاهیم مجاور، کاربرد تخصصی این مفاهیم در حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد را تبیین می‌کند. در بخش دوم، مبانی نظری ناظر بر ضرورت استرداد اموال تاراج‌شده را ذیل عناوین حمایت از مالکیت، ترمیم عدالت، پیشگیری از فساد و پاسداری از امنیت مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش سوم، نخست با اشاره گذرا به پیشینه کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل رویکرد آن در خصوص اموال نامشروع را از نظر می‌گذرانند، سپس ضمن توجه به مفهوم همکاری حقوقی متقابل، ضرورت‌های ناظر بر استرداد اموال از منظر کنوانسیون مورد کنکاش قرار می‌گیرد و در نهایت نیز رویه‌های عملی معاضدت قضایی در فرایند استرداد اموال با تأکید بر پرونده‌های سوئیس و فرانسه بیان می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

تشریح و تدقیق در مفاهیم مطروحه علاوه بر متون حقوقی بین‌الملل نیاز به مراجعه به اسناد داخلی نیز دارد. مقررات بین‌المللی برای اجرا و پیاده‌سازی نیازمند بستر مناسب در حقوق داخلی هستند. به این منظور مفاهیم کلیدی بحث در ساختارهای حقوقی داخلی و بین‌المللی تبیین می‌شود.

### ۱-۱. اموال تاراج‌شده

یکی از مفاهیم کلیدی در حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد «تاراج اموال» است. در حقوق داخلی هر یک از جرائم علیه اموال به نحوی تجاوز و تعدی نسبت به مالکیت غیر است، اما تمامی جرائم بر ضداموال، مصداق تاراج اموال نیستند و بار معنایی ناظر بر آن را پوشش نمی‌دهند. به‌طور مشخص تاراج اموال ناظر بر گونه‌ای از فساد مالی است که در آن به تمام یا بخش زیادی از منابع، ثروت‌ها و حتی کمک‌های خارجی تخصیص یافته به یک کشور توسط کارگزاران عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی داخلی یا حتی خارجی مأمور در آن کشور دست‌درازی شده و جهت منافع خصوصی متجاوزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً در تاراج اموال، سوءاستفاده و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و دولتی اگرچه در خاک کشور آغاز می‌شود، اما تاراجگران برای تثبیت و تداوم سوءاستفاده و تصرف خود، اموال موصوف را به مقاصد خارج از حاکمیت و مرزهای کشور مبدأ اموال منتقل می‌کنند تا حتی در صورت پیگیری قضایی، دسترسی و استرداد اموال پرهزینه یا حتی غیرممکن شود.

اموال بسته به مالک به اموال خصوصی، عمومی و دولتی تقسیم می‌شوند. فرض اولیه احترام اموال است (اصل ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) که مال را در حمایت قانون قرار داده و هرگونه تصرفی را منوط به رضایت مالک یا مجوزهای قانونی می‌کند (محمدی، ۱۳۷۵: ۱۰۶). در این خصوص، تفاوتی میان اشخاص خصوصی و عمومی وجود ندارد. در نظام حاکمیت قانون<sup>۳</sup> حتی مقامات عمومی و دولت نیز نمی‌توانند از اقتدار خود، خارج از ضوابط قانونی استفاده کرده و در اموال عمومی، دولتی یا خصوصی تصرف کنند. برای این منظور قوانین ضمانت اجراهای مختلفی را پیش بینی کرده‌اند؛ از جمله در قوانین کیفری و در ذیل عناوین مجرمانه‌ای چون «اختلاس»، «ثروت‌اندوزی نامشروع» و... چنین اعمالی را قابل مجازات دانسته‌اند.

در کنوانسیون مبارزه با فساد، «اموال» به دارایی‌ها از هر نوع اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، ملموس یا غیرملموس و اسناد قانونی یا اسناد مبین حق یا منافع در دارایی‌های مزبور، اطلاق شده است (بند ۲ ماده ۲). از این رو، هرگونه اقدامی که توسط مقامات دولتی، مقام دولتی خارجی یا مقام یک سازمان بین‌المللی برخلاف مقررات قانونی صورت پذیرد و مالکیت قانونی اموال را مخدوش سازد و برای تضمین تسلط غیرقانونی بر مال یادشده آن را به خارج از کشور محل وقوع مال انتقال دهد، مصداق تاراج اموال خواهد بود. این مفهوم می‌تواند شامل «عواید ناشی از جرم» نیز گردد. بر اساس بند ۴ ماده ۵۲ کنوانسیون هر مالی که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق ارتکاب به جرم حاصل شود، اگرچه تغییر حالت یا انتقال یافته باشد، عواید جرم بوده و مشمول مقررات کنوانسیون به‌عنوان اموال تاراج‌شده خواهد بود (پاکجو و آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۴۸).

### ۱-۲. استرداد اموال تاراج‌شده

در حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد، متناظر با جرم‌انگاری تاراج اموال، موضوع استرداد اموال و دارایی‌های تاراج‌شده نیز مطرح می‌شود. استرداد اموال به نحو عام فرآیندی است که در آن اموال و دارایی‌های ناشی از جرم، از مجرمان و احیاناً اشخاص ثالثی که آن اموال و دارایی‌ها به آنها منتقل شده است، ستانده شده، به مالکان خصوصی یا عمومی یا به حساب دولت انتقال داده می‌شود. برای این مفهوم در حقوق داخلی مفاهیم مجاور نظیر ضبط<sup>۴</sup> و مصادره<sup>۵</sup> نیز استفاده شده است. ضبط در حقوق جزا به معنی توقیف موقت یا دائم اموال و دارایی‌ها به‌کار رفته است.

3. Rule of Law

4. Forfeiture

5. Confiscation

مصادره کردن نیز عبارت از پول یا مالی را به جرمه گرفتن یا تنبیه و مجازات کردن به مال، تاوان فرمودن کسی بر مال را گفته‌اند (محمدی، ۱۳۷۵، ۵۴-۵۲).

با توجه به این که موضوع اموال ناشی از جرم در دو دهه اخیر اهمیت فوق‌العاده‌ای در سطح بین‌المللی پیدا کرده است، در اسناد مرتبط با پولشویی و اموال ناشی از ارتکاب جرم، مقررات مختلفی به بحث ضبط و مصادره اموال اختصاص یافته است. در ماده ۱ کنوانسیون وین ۱۹۷۵، مصادره به این شرح تعریف شده است: «مصادره که در صورت اقتضاء شامل مصادره عین اموال می‌شود، به معنی محرومیت دائم از مالکیت، به موجب دستور صادره از یک دادگاه و یا مرجع صالح دیگر است». در این ماده انسداد<sup>۶</sup> و توقیف<sup>۷</sup> چنین تعریف شده‌اند: «انسداد یا ضبط به معنای ممنوعیت موقت انتقال، تبدیل، واگذاری یا جابه‌جا کردن مال یا نگهداری یا کنترل موقتی مال بر مبنای دستور صادره از دادگاه یا مرجع صالحه می‌باشد» (دلیر، ۱۳۹۰: ۵۵).

«استرداد» در حقوق جزا بیشتر تبادر به استرداد مجرمان دارد، اما کاربرد این واژه با کلمه «اموال»، آن را به اصطلاحی مطرح در حقوق جزای بین‌الملل و حقوق ضد فساد بین‌المللی تبدیل کرده است. «استرداد اموال» عبارت از فرایند بازگرداندن اموال به دست آمده از طریق ارتکاب یکی یا تمام تخلفات مذکور در کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد به دولت قربانی فساد یا اشخاص ثالث است (World Bank, 2010). فصل پنجم کنوانسیون به مسئله استرداد اموال به تاراج‌رفته یا سایر اموالی که از فساد ناشی شده‌اند، اختصاص دارد. ماده ۵۳ بیان می‌دارد: «دولت‌ها مطابق با حقوق داخلی خود باید اقدامات مقتضی را برای گشایش پرونده‌های مربوط به بازگرداندن اموال به دست آمده از طریق فساد، اتخاذ کنند».

در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد ۲۰۰۳ (میریدا) در فصل چهارم ماده ۴۴ و فصل پنجم مواد ۵۳، ۵۴ و ۵۷ به موضوع استرداد توجه شده است. البته مراد از استرداد در فصل چهارم، استرداد مجرمان طی ضوابط خاص است، اما در فصل پنجم منظور از استرداد، بازگرداندن اموال و دارایی‌هایی است که در نتیجه فساد از کشور منشأ فساد انتقال یافته‌اند (پاکجو و آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۳۹).

طرح ایده استرداد دارایی‌های نامشروع در نظام بین‌المللی، نخستین بار در اجلاس غیررسمی آرژانتین ۲۰۰۱ توسط نماینده ایالات متحده آمریکا به نماینده ایران ارائه شد. در نهایت، موضوع با حمایت ایران در کمیته‌ای ویژه در این اجلاس طرح و به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه شد. با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مسئولیت تهیه پیش‌نویس استرداد

6. Freeze

7. Seizure

دارایی‌های ناشی از فساد در کنوانسیون، به گروهی که از جمله در آن ایران و آمریکا حضور داشتند، واگذار شد (پاکجو و آقا محمدی، ۱۳۹۰: ۴۰).

## ۲. مبانی حقوقی استرداد اموال تاراج‌شده

سلب مالکیت و استرداد اموال باید بر اساس توجیهات موجه و مبانی قانونی متقن صورت پذیرد. روشن‌بودن و بررسی جوانب مختلف مبانی سلب مالکیت و استرداد نقش مهمی در اجرای موفق قواعد حقوق بین‌الملل استرداد اموال برعهده دارد. مبانی حقوقی استرداد اموال به جنبه هنجاری حقوق بین‌الملل استرداد اموال می‌پردازد.

در کنوانسیون مبارزه با فساد چنانچه خواهیم دید، کسب دارایی و ثروت فوق‌العاده، امری خلاف قاعده قلمداد شده که ظهور بر منشأ فاسد آن دارد. بنابراین، اشخاصی که تسلط بر آن اموال دارند یا آن دارایی‌ها به نام آنها است باید برای مالکیت خود دلیل اقامه کنند. این رویکرد می‌تواند با مبانی مشابه حقوق داخلی در جواز ضبط و مصادره اموال و دارایی‌ها شامل منع تحصیل مال از طریق نامشروع و منع تحصیل مال از طریق خلاف قانون توجیه شود، اما چنانچه ذکر آن رفت «استرداد اموال تاراج‌شده» اصطلاح حقوقی، خاصی است که با در نظر داشتن مبانی نظری ناظر بر طرح این مفهوم و ضرورت‌های اجتماعی، مبانی دیگری را می‌توان برای استرداد اموال تاراج‌شده در نظام معاصر حقوق بین‌الملل، به‌شرح زیر مورد توجه قرار داد.

### ۲-۱. حمایت از مالکیت

فارغ از آن‌که مالکیت دولتی، عمومی یا خصوصی باشد، از حقوق اولیه و بنیادین شناخته‌شده و در نظام‌های حقوقی مورد تضمین و احترام قرار گرفته است، تجاوز و تعدی نسبت به مالکیت با ضمانت اجراهای شدید کیفری مواجه می‌شود. البته بسته به ماهیت دولتی، عمومی یا خصوصی مال، نظام ضمانت اجرا متفاوت بوده و عناوین متفاوت مجرمانه‌ای نسبت به تعدیات نسبت به اموال تعریف می‌شود. مبانی ناظر بر ضرورت استرداد اموال ناشی از تلقی‌شدن مالکیت دولتی و عمومی به‌عنوان یک حق عمومی و لزوم پاسداری از بیت‌المال، خزانه و دارایی‌های شهروندان است که دولت یا نهادهای عمومی به نمایندگی از مردم اداره آنها را بر عهده دارند. از آنجاکه نسبتی مستقیم بین شاخص‌های رفاه در یک جامعه و میزان اموال و دارایی‌های آن وجود دارد، تعدی و تجاوز نسبت به اموال به تهدید رفاه می‌انجامد. از جمله هنگامی که اموال و دارایی‌های عمومی در یک کشور در معرض تاراج قرار گیرند، رفاه و سطح زندگی در آن جامعه تنزل یافته و گسترش فقر محتمل خواهد بود. به همین خاطر تاراج اموال را می‌توان از مصادیق تهدید حقوق شناسایی‌شده در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حقوق رفاهی) دانست؛ چرا که

تاراج اموال به‌طور مشخص، توانایی دولت‌ها را در اجرای تعهدات مندرج در ماده ۲۵ اعلامیه یادشده تحلیل برده و کاهش می‌دهد.

همچنین بند ۲ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی «منابع و ثروت‌های طبیعی» ملت‌ها را مورد حمایت قرار داده و محروم کردن ملت‌ها از «وسایل معاش» را منع کرده است. تاراج اموال موجب محرومیت یا تحدید اعضا یک جامعه از وسایل معاش است و از این جهت نیز متضمن نقض تعهد و حمایت مندرج در ماده یاد شده است.

## ۲-۲. ترمیم عدالت

تاراج اموال و دارایی‌های عمومی، جرمی است که وقوع آن ارتباطی مستقیم با موقعیت تاراج‌کننده در دولت و دسترسی وی به منابع عمومی دارد. این پدیده عمدتاً توسط کارگزاران فاسد دولت به وقوع می‌پیوندد. تأثیر مخرب چنین جرائمی بر محروم کردن یک جامعه از دارایی‌هایش از یک‌سو و بهره‌مندساختن و کام‌جویی تاراجگران از سوی دیگر، از منظر عدالت یک فاجعه است. استرداد اموال، اقدامی برای ترمیم عدالت مخدوش شده است چرا که با اعمال مجازات نسبت به رفتارهای متقلبانه و فاسد، عدالت را به حوزه‌های داخلی و بین‌المللی باز می‌گرداند (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

در نظام حقوق بین‌الملل، محاکمه کارگزاران دولت، خاصه رؤسای دولت‌ها از چالش‌های جدی در اجرای عدالت است. در نظام داخلی کشورها، به‌خصوص نظام‌های استبدادی، عدم حکومت قانون، فساد فراگیر و عدم پاکدستی عمومی کارگزاران دولت از جمله قوه قضائیه سبب می‌شود که حتی در صورت برکناری روسای فاسد دولت، اراده‌ای جدی برای محاکمه و تعقیب آنان وجود نداشته باشد. در نظام حقوق بین‌الملل نیز با توجه به اصول منشور ملل متحد از جمله بند ۷ ماده ۱، محاکمه دولتمردان فاسد کشورها توسط محاکم کشور دیگر یا محاکم بین‌المللی همواره با موانع جدی همراه بوده است. به عبارت دیگر، اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم یک کشور برای تعقیب مقامات کشور دیگر، بدون مصوبات سازمان ملل و سایر نهادهای ذی‌صلاح بین‌المللی، خلاف اصول حقوق بین‌الملل اعلام شده است (رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری) (زاپالا، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

نکته‌ای که دعاوی استرداد اموال را از این منظر ممتاز می‌کند آن است که این دعاوی فارغ از آن که متضمن تعقیب و محاکمه کارگزاران فاسد دولت باشد، مشخصاً متوجه دارایی‌های نامشروع است. به تعبیری مقررات ناظر بر دعاوی استرداد دارایی‌های تاراج شده، این دعاوی را لزوماً به منزله تعقیب و محاکمه کارگزاران دولت نمی‌داند، اما نتیجه آن که احتمالاً حکم به بازگشت دارایی‌ها است، می‌تواند تا حدودی صدمات و زیان‌های وارده بر جامعه را جبران کند.



از این منظر، طرح استرداد دارایی‌ها به مفهوم عدالت ترمیمی نزدیک می‌شود، چراکه «عدالت ترمیمی نیز در جست‌وجوی آن است تا آنچه را نقض شده بهبود بخشد. به تعبیری عدالت ترمیمی در جست‌وجوی ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم است. پاسخگویی در آن لزوماً به معنی اعمال مجازات بر متجاوز نیست، بلکه می‌تواند شامل جبران صدمات و زیان‌های وارده بر بزه‌دیده (در موضوع تاراج اموال کل شهروندان یک کشور) در جامعه محلی و اجتماع باشد» (غلامی، ۱۳۸۳: ۳۹).

### ۲-۳. پیشگیری از فساد و جرم

ارتباط زنجیره‌های فساد و جرم به یکدیگر سبب می‌شود که هرگونه اقدامی که یکی از حلقه‌های زنجیره فساد را هدف قرار دهد، کلیت فساد را مخدوش سازد. از این‌رو است که برنامه‌های حکمرانی خوب<sup>۸</sup>، مبارزه با فساد را در هر سطحی گامی مؤثر در تحقق حاکمیت قانون قلمداد می‌کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۸).

حال اگر اقدامات مبارزه با فساد، سطح کلان آن؛ یعنی فساد کارگزاران دولت و تاراج دارایی‌ها را هدف قرار دهد و بتواند دارایی‌های تاراج‌شده را مسترد سازد، انگیزه افراد را در مداخله در اقدامات فاسد از بین می‌برد. همچنین با محروم کردن شبکه‌های جرم از منابع و امکانات ناشی از سوءرفتارشان، نقش خنثی‌کننده نسبت به سایر جرائم ایفا می‌کند (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۸۷: ۲۶۲). بنا به تعبیر مندرج در مقدمه کنوانسیون مبارزه با فساد «جلوگیری، کشف و ممانعت مؤثر از نقل و انتقال بین‌المللی دارایی‌هایی که به صورت غیرقانونی به دست آمده است و تحکیم همکاری‌های بین‌المللی در جهت بازگرداندن دارایی‌ها» ارتباطی مستقیم با پیشگیری و ریشه‌کنی فساد می‌یابد.

### ۲-۴. تضمین امنیت

تاراج اموال توسط کارگزاران دولت و مقامات عمومی در یک کشور مسئله‌ای است که می‌تواند پیامدهای امنیتی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی و در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. تاراج اموال عمومی، این پیام را به شهروندان می‌دهد که دولت کارکردهای اصلی خود در حفاظت از اموال و دارایی‌های عمومی را از دست داده و به ابزاری برای سوءاستفاده و رانت‌جویی از دارایی‌ها و اموال ملی و سرمایه‌های شهروندان تبدیل شده است. این تصور از دولت به نوبه خود تصویر ذهنی از وجود امنیت اقتصادی را مخدوش

کرده، سرمایه‌گذاران نسبت به سرمایه‌گذاری و تضمین حفظ سرمایه و سود حاصل از آن در کشور مردد می‌شوند (Mwenda, 2011: 27).

افزون بر ابعاد داخلی، تاراج اموال فراتر از سطح ملی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی امنیت نیز تأثیرگذار است. وقوع و شیوع پدیده تاراج اموال در یک کشور، نمودی از ناتوانی دولت در انجام وظایف و تعهداتش و حرکت به سوی ناپایداری<sup>۹</sup> است. تصور سلب امنیت در کنار وجود نارضایتی‌ها و ناکارآمدی سبب می‌شود که بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظیر شورش‌ها، ظهور گروه‌های تبهکار فزونی گیرد. اینها خود عاملی در رشد تصاعدی و فزاینده پدیده ناامنی می‌شوند. در چنین وضعیتی اگر توانایی‌های دولت در مهار این بحران‌ها کاستی گرفته باشد، ناامنی دیگر محدود به مرزهای داخلی و ملی محدود نخواهد ماند، بلکه به تدریج داخل قلمرو کشورهای همسایه، حدود منطقه‌ای و حتی بین‌المللی سرایت می‌کند. در موضوع تاراج اموال از آنجا که اموال غارت شده از یک کشور، در کشوری دیگر اختفا می‌شوند، کشور مقصد نیز خواه ناخواه درگیر تهدیدات و تبعات امنیتی مشخصی خواهد شد. از این‌رو، استرداد اموال تاراج‌شده، هم اقدامی جهت بازگشت امنیت به کشور قربانی و هم تضمین تداوم امنیت در سایر کشورها از جمله کشور میزبان است.

با در نظر گرفتن رویکرد امنیت‌محور، اموال تاراج‌شده می‌تواند در چرخه بی‌ثباتی کشورها، گسترش تروریسم و جنگ‌افروزی مورد استفاده قرار گیرد. در این خصوص، توجه به اسناد و کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم از جمله کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و توصیه‌های گروه اقدام مالی<sup>۱۰</sup> قابل توجه است. خاصه آن که در این اسناد نیز ضبط و توقیف، پیشگیری از هر گونه معامله و انتقال یا واگذاری اموال با منشأ غیرقانونی و مشکوک تجویز یا توصیه شده است (طیبی‌فرد، ۱۳۸۴: ۲۷۳؛ ۱۳۸۹: ۸۹).

### ۳. کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل متحد؛ همکاری حقوقی متقابل و تجارب استرداد اموال

#### ۳-۱. جایگاه و راهبرد کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد و تاراج اموال

پیشینه اقدامات بین‌المللی در مبارزه با فساد به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد.<sup>(۱)</sup> با توجه به خصیصه فراملی جرائم سازمان‌یافته و تأثیر آنها بر کشورها، دولت‌های عضو سازمان ملل، این موضوع و جنبه‌های گوناگون آن در کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان سازمان ملل مورد بحث قرار دادند. متعاقب کنگره‌های مزبور که اولین آنها در سال ۱۹۷۵ در

9. Fragility

10. Financial Action Task Force (FATF)

وین برگزار گردید، در سال ۱۹۸۰ ششمین کنگره سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم تحت‌عنوان «جرم و سوءاستفاده از قدرت» برگزار شد و برای نخستین‌بار بحث جرم سازمان‌یافته، ارتشا و فساد مالی مطرح می‌شود. با برگزاری کنفرانس جهانی در مورد جرم فراملی سازمان‌یافته در سال ۱۹۹۴ در ناپل ایتالیا، اقدام جهانی علیه جرم سازمان‌یافته فراملی مورد تأکید قرار می‌گرفت. بر این اساس، کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل درخواست بررسی نمونه معاهداتی را کرد که تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ و متعاقب آن کنوانسیون علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) را می‌توان اشاره کرد (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۱۵).

کنوانسیون پالرمو، زمینه‌های استرداد دارایی‌های تاراج‌شده را با تعهد دولت‌ها به مقابله با جرم پولشویی، تطهیر درآمدهای نامشروع و عواید حاصل از جرم و نیز تسریع در استرداد و روزآمد کردن مهارت‌ها در مقابله با جرائم مورد توجه قرار می‌دهد. اما نقطه عطف، جامع‌ترین و مهم‌ترین منبع هنجاری در زمینه مبارزه با فساد و مشخصاً بحث تاراج اموال و استرداد آنها در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با فساد مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در مریدا (مکزیک) است. کنوانسیون به موجب قطعنامه شماره ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ از جانب مجمع عمومی سازمان ملل اتخاذ و در سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد و تا مارس سال ۲۰۱۲، تعداد اعضای این سند به ۱۶۰ کشور رسید. این سند در سال ۲۰۰۳ توسط دولت جمهوری اسلامی ایران امضا شد و در سال ۲۰۰۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.<sup>(۲)</sup> این کنوانسیون بر زمینه‌ای از همکاری‌ها و نگرانی‌های بین‌المللی در زمینه فساد که تا پیش از آن برگزار یا اظهار شده بود، استوار شد که مبین اراده جهانی برای مبارزه با فساد است. کنوانسیون با تصویب ۱۴۰ کشور توانسته است منافع دو گروه از جامعه جهانی را در سند واحدی بیان کند. از یک‌طرف، گروه ۷۷ و چین که به دلیل فساد دولتمردان خود و تاراج و سوءاستفاده از ثروت و دارایی‌های عمومی، دچار تنگنا شده و در مسیر توسعه آنها سنگلاخ‌های جدی پدید آمده بود. از سوی دیگر، دولت‌های توسعه‌یافته که با انتفاع از ثروت‌های بادآورده و نامشروع ناشی از فساد به رونق بازارهای خود می‌اندیشیدند (پاک‌جو و آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۲۱).

کنوانسیون رویکردی فراملی دارد که به موجب آن باید دولت‌ها موضوعات مرتبط با فساد را جرم‌انگاری کرده و مشی واحدی را طبق این معاهده اتخاذ کنند. کنوانسیون بر اهدافی مانند ارتقا و تحکیم اقدامات برای پیشگیری و مبارزه با فساد، ترغیب پاک‌دستی و امانت‌داری، پاسخگویی و مدیریت مناسب امور عمومی و اموال دولتی استوار شده است. همچنین در این کنوانسیون فساد به‌عنوان تهدید علیه ثبات و امنیت جوامع (داخلی و بین‌المللی)، توسعه پایدار،

ارزش‌های اخلاقی، عدالت و حاکمیت قانون توجه شده است (شاطرپور اصفهانی، ۱۳۸۸: ۸۶). به‌طور کلی هدف اصلی کنوانسیون ایجاد یک ضابطه جهانی در مبارزه با فساد است (پاک جو و آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۲۴).

مهم‌ترین مصادیق فساد که در کنوانسیون جرم‌انگاری شده است و مرتبط با بحث غیرقانونی دانستن تاراج اموال و دارایی‌ها است را می‌توان به‌شرح زیر مورد توجه قرار داد: حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال عمومی توسط کارگزاران و مقامات دولتی (ماده ۱۷)؛ سوءاستفاده از وظایف (ماده ۱۹)؛ داراشدن نابه‌جا یا ثروت‌اندوزی نامشروع (ماده ۲۰) و اختفا (ماده ۲۴). نکته کلیدی آن است که کنوانسیون در این مواد به جرم‌انگاری اقداماتی پرداخته است که مصداق نقض امانت‌داری مقامات عمومی و دولتی یا تسهیل‌کننده، شروع فرایند تاراج و استمراردهنده خیانت در امانت محسوب می‌شوند. دیگر اینکه مصادیق جرمی که کنوانسیون پیش‌بینی می‌کند فراتر از یک توصیه، با توجه به ماهیت کنوانسیون متضمن الزام به دولت‌های عضو به‌منظور انعکاس در نظام حقوق کیفری داخلی هم هست. این امر تثبیت‌کننده رویه واحد بین‌المللی در مبارزه با فساد به‌شمار می‌رود.

### ۳-۲. استرداد اموال و همکاری حقوقی متقابل

کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل نخستین سند الزام‌آور ضد فساد در سطح جهانی است که یک چارچوب جامع ضد فساد ارائه می‌دهد. در این سند به‌نحو ویژه‌ای به مسئله بهشت‌های امن برای عواید ناشی از فساد پرداخته می‌شود. کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل، استرداد اموال را به عنوان یکی از اصول اساسی کنوانسیون معرفی می‌کند و دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که «...بالاترین میزان همکاری و مشارکت را در این خصوص برای یکدیگر ارائه نمایند» (ماده ۵۱). استرداد اموال امری فرامرزی است، بنابراین تعجب‌برانگیز نیست که کنوانسیون این‌گونه در بخش استرداد اموال بر مشارکت و همکاری حقوقی متقابل تأکید می‌کند. طبق کنوانسیون، نوع همکاری دولت در پرونده‌های حقوقی و کیفری با یکدیگر متفاوت هستند.

در پرونده‌های حقوقی بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون، دولت‌های عضو باید اقداماتی را اتخاذ نمایند تا کشورهای دیگر این امکان را داشته باشند نزد دادگاه‌های آنها برای اموالی که در کنوانسیون ذکرشده، دعوای اثبات مالکیت را مطرح کنند. خواننده این دعوا کسانی هستند که مرتکب جرائم شده‌اند. در دعوای حقوقی استرداد اموال دولت‌ها می‌توانند برای حضور در دادگاه وکیل معرفی نمایند و مانند یک شخص خصوصی دعوای استرداد اموال را مطرح و دنبال کنند. برای طرح دعوای حقوقی محکومیت کیفری لازم نیست (World Bank, 2010).

در پرونده کیفری طبق ماده (۱) ۴۶ کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته است که «گسترده‌ترین اقدامات معاضدت قضایی متقابل را در خصوص تحقیقات، پیگرد و دادرسی‌های قضایی مربوط به جرائم مشمول این کنوانسیون در مورد یکدیگر» اعمال کنند. ماده ۵۴ و ۵۵ کشورهای عضو را ملزم کرده‌اند که اقدامات لازم برای ارائه معاضدت قضایی در مورد اموالی که به‌نحوی با ارتکاب یکی از تخلفات مذکور در کنوانسیون ارتباط دارند، اتخاذ کنند.

نکته آن که حتی با وجود پیش‌بینی استرداد مجرمان در کنوانسیون، معاضدت مذکور در آن اگرچه ناظر بر استرداد اموال هست، لزوماً متضمن استرداد مجرمان نخواهد بود. خاصه آن که در بعضی از کشورها، برای جرائم مالی بزرگ مجازات‌هایی نظیر اعدام پیش‌بینی شده است و در صورت استرداد، مجرمان ممکن است مستلزم اعمال چنین مجازات‌هایی شوند. برای مثال در پرونده محمودرضا خاوری، با توجه به سابقه اعمال مجازات اعدام در خصوص مجرمان اقتصادی در ایران و با توجه به رویه دیوان عالی کانادا (رای دیوان عالی کانادا در دعوی ایالات متحده امریکا علیه برنز، ۲۰۰۱)، استرداد وی، احتمالاً رد می‌شود.<sup>(۳)</sup> به همین صورت در پرونده علی عیاشی (کلاهبردار میلیاردی)، نیز اگرچه استرداد او توسط یونان با ادعای مجرم سیاسی‌بودن وی و احتمال اعدام از این جهت منتفی اعلام شده است، اما به فرض اثبات ماهیت اقتصادی جرم به دلیل پیش‌گفته و بر اساس مقررات اتحادیه اروپا استرداد وی بعید به نظر می‌رسد. بنابراین تمرکز بر طرح دعاوی استرداد اموال و جلب معاضدت و همکاری دولت‌های دیگر در این مسیر، به جای طرح دعاوی استرداد مجرمان ضروری است. خاصه این‌که بر اساس مفاد کنوانسیون، جریان یافتن دعوی استرداد اموال می‌تواند بر اساس احکام صادره از دادگاه‌های خارجی و از جمله کشور قربانی صورت پذیرد.

در مورد مصادره اموال در پرونده‌های کیفری ماده ۵۴ (الف) کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم کرده است تا سازوکار و اقدامات مؤثری را برای همکاری متقابل حقوقی در حوزه‌های مربوط به شناسایی، مسدودکردن، مصادره منافع ناشی از جرم، اتخاذ کنند. این امر شامل شیوه‌هایی برای به رسمیت‌شناختن و اجراکردن احکام مصادره، صادرشده از سوی دادگاه‌های خارجی نیز می‌شود. «نظامی که کنوانسیون در این ماده ترسیم می‌کند، متضمن این موارد است: اجرای احکام دولت‌ها در قبال یکدیگر و به شکل متقابل؛ اگر برای دارایی در کشور دیگر حکم ضبط جهت بررسی امکان مصادره صادر شده است، امکان اجرایی شدن آن حکم را فراهم نماید؛ اگر دادگاه محل دلایل را برای مسدودسازی یا مصادره دارایی کافی می‌داند، بنا به درخواست، حکم مسدودسازی و مصادره را صادر نماید؛ امکان صدور احکام مصادره بر مبنای دعاوی کیفری باقی می‌ماند» (پاک‌جو و آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۸۸).

ماده ۵۵ به آنچه که کشور خواهان معاضدت باید انجام دهد، می‌پردازد. در واقع کشور قربانی فساد باید برای درخواست معاضدت فرایندی خاص را طی کند و مقتضیات لازم را فراهم آورد. دولت‌های عضو تنها پس از دریافت یک درخواست معتبر یا حکم دادگاه از سوی کشور دیگر مبنی بر مصادره اموال، ملزم به همکاری قضایی و انجام اقدامات لازم برای اجرای مصادره اموال هستند. این درخواست باید در بردارنده جزئیاتی مانند توصیف دارایی، مکان، ارزش تخمینی و صورتی از حقایقی که کشور درخواست کنند به آنها اتکا کرده است، باشد (بند ۳ ماده ۵۳).

طبق ماده ۵۵(۲) بعد از این که درخواست یا دستور معتبر صادر شد، دولت‌های عضو باید «اقداماتی را اتخاذ کنند تا عواید ناشی از جرم، اموال، تجهیزات یا سایر وسایل موضوع بند (۱) ماده (۳۱) این کنوانسیون برای مصادره نهایی شناسایی، رهگیری، مسدود یا ضبط شود». همان‌طور که قبلاً ذکر شد و در گزارش بانک جهانی نیز آمده است، کنوانسیون هیچ ماده‌ای در مورد معاضدت قضایی بین کشورهای عضو در پرونده‌های حقوقی ندارد و رویه‌ای در مورد اینکه دولت‌ها اسناد و دلایل جمع‌آوری شده را با یکدیگر به اشتراک گذارند، وجود نداشته است (World Bank, 2010).

### ۳-۳. رویه‌های عملی معاضدت قضایی در استرداد اموال

از اهداف کنوانسیون مبارزه با فساد آن است که فرایند استرداد اموال برای کشورهای در حال توسعه قربانی فساد تسهیل شود، اما همچنان اعمال چارچوب‌های لازم برای همکاری حقوقی متقابل و همکاری برای بعضی از کشورها، خاصه کشورهایی با دولت ناپایدار مشکل است. همکاری و مشارکت حقوقی در وهله نخست نیازمند آن است که کشورها انگیزه‌ای قوی برای همکاری داشته باشند؛ هم‌آهنگی که خواهان هستند و هم‌آهنگی که در جایگاه مرجع رسیدگی قرار گرفته‌اند (World Bank, 2010). آن‌گونه که کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل بیان داشته است، در همکاری حقوقی متقابل و همین‌طور در طرح دعوی حقوقی مستقیم، این کشور قربانی است که باید گام نخست را از طریق فرستادن یک درخواست معتبر و یا اقامه دعوی حقوقی نزد دادگاه در کشوری دیگر بردارد. استرداد اموال نه‌فقط برای آغاز شدن نیازمند اراده‌ای قوی است، بلکه این خواست باید مستمر بوده و تداوم داشته باشد، زیرا فرایند استرداد اموال بسیار زمان‌بر و طولانی است. برای مثال، در سال ۱۹۸۶ در پرونده هائیتی به دنبال اتهام فساد، حساب‌های رهبر هائیتی در سوئیس مسدود شد، اما سرانجام بعد از ۲۵ سال جریان مربوط به انتقال اموال مسدودشده دیکتاتور سابق هائیتی به دولت آغاز گردید (Asset Recovery Knowledge Centre, 2010). حمایت دولت قربانی در طول این فرایند طولانی برای

موفقیت جریان استرداد اموال از اهمیت اساسی برخوردار است. تاراج اموال معمولاً ملازمه عمیق با فساد دولتمردان دارد. متأسفانه در سطح ملی وجود دولتمردان فاسد از سوی بخش وسیعی از مردم به‌عنوان عاملانی برای تأمین منافع شخصی، گروهی یا محلی دیده می‌شوند (Orre and Mathisen, 2008). بنابراین، جای تعجب نیست اگر در بعضی از کشورها رهبران و سیاست‌مداران فاسد برای پیگیری و بازگرداندن اموال تاراج رفته معمولاً فاقد هرگونه خواست سیاسی و انگیزه هستند.

علاوه بر این، برای استرداد اموال به‌تاراج‌رفته، کشورهای قربانی به متخصصانی (حقوق کیفری اقتصادی) نیاز دارند که موفقیت پرونده‌های آنها را تضمین کنند. تربیت نیروهای مجرب و آشنا با مقتضیات و الزامات کار در مراکز مهم مالی، بر عهده دولت است. بدون این الزامات اولیه تلاش‌های کشورهای قربانی برای استرداد اموال، بیهوده خواهد بود. نبود آگاهی و دانش حقوقی-مالی و در نتیجه ناتوانی در جمع‌آوری و ارائه مستندات قانونی می‌تواند از عوامل عمده شکست در دعاوی استرداد اموال قلمداد شود (Greenberg et al, 2009).

معمولاً قدرت مرکزی در کشورهای درگیر فساد ساختاری، مجهز به منابع مالی و انسانی با مشخصات ذکرشده در بالا نمی‌باشند و این امر نیز مانع دیگری است که بر سر راه اجرای فرایند استرداد اموال به طور کلی و همکاری حقوقی متقابل به‌طور خاص قرار دارد. نمونه‌هایی وجود دارند که در آن دولت‌ها با درک این حقیقت که کشورشان بهشت امن اموال به‌تاراج‌رفته محسوب می‌شود، ملزم شده‌اند تدابیری در این خصوص اتخاذ کنند. مثال شاخص این امر پرونده‌های مربوط به هائیتی و رهبران کشورهای آفریقایی است که الهام‌بخش آن شد که علی‌رغم شرایط مربوط به توانمندی و تمایل دولت‌ها در کشورهای قربانی مقامات و نهادهای عمومی کشورهای میزبان اموال تاراج‌شده، امور مربوط به استرداد اموال را به‌عنوان آغازکننده فرایند استرداد پیگیری نمایند. در واقع تجارب فرانسه در پرونده مقامات آفریقایی و سوئیس در پرونده هائیتی در استقرار رویه‌های مثبت استرداد اموال از اهمیت خاصی برخوردار است.

### ۳-۳-۱. رویه فرانسوی

در سال ۲۰۰۷ تعدادی از سازمان‌های مدنی فرانسوی اسنادی را تنظیم کردند که نشان می‌داد مقامات جمهوری کنگو و گینه استوایی با استفاده از اموال تاراج‌شده دارایی‌هایی را در فرانسه خریداری کرده‌اند. سازمان شفافیت بین‌الملل<sup>(۱۱)</sup> و تعدادی دیگر از سازمان‌های مدنی رهبران سه کشور کنگو، برازویلا،<sup>۱۲</sup> گینه استوایی<sup>۱۳</sup> و گابن<sup>۱۴</sup> را به استفاده از بودجه عمومی برای خرید

11 Transparency International

12. Congo- Brazzaville

خانه‌ها و اتومبیل‌های لوکس در فرانسه متهم کردند. طبق اسناد و استدلال‌های ارائه‌شده، غیرممکن بود که این رهبران و بستگان آنها بتوانند این اموال را از طریق درآمد رسمی مشروع خود خریداری کرده باشند (Dulin et al, 2007). نهادهای مدنی با استفاده از این یافته‌ها دادخواست انجام تحقیقات رسمی را علیه سه رئیس‌جمهور آفریقایی مطرح کردند. با این حال، دادستان اعلام کرد که توصیفات ارائه‌شده برای جرم کافی نیست و او نمی‌تواند در مورد منشأ منابعی که برای کسب مالکیت این دارایی‌ها مصرف شده‌اند، تحقیق کند (Transparency International, 2008). به این ترتیب، نخستین پرونده از سوی دفتر دادستان عمومی رد شد (Transparency International, 2011).

در دوم دسامبر سال ۲۰۰۸، شفافیت بین‌الملل فرانسه با همکاری سایر نهادهای مدنی فرانسوی شکایتی را نزد دادگاهی در پاریس مطرح کرد. در این پرونده، جامعه مدنی فرانسه به‌جای تمرکز بر افراد، بر اموال تمرکز کرد با این هدف که بتواند آنها را مسترد نماید؛ اما دعوای «درآمدهای نامشروع» که در دادگاه فرانسوی مسموع دانسته شده بود، با تجدیدنظرخواهی دادستان عمومی مواجه شد. در اکتبر ۲۰۰۹ تصمیم دادگاه پاریس در مسموع‌نبودن دعوا از سوی دادگاه تجدیدنظر لغو گردید. حکم دادگاه مبتنی بر این استدلال بود که سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل ذینفع‌نبودن، نمی‌توانند علیه رهبران کشورهای خارجی اقامه دعوی نمایند، در نتیجه نمی‌توانند به‌عنوان خواهان علیه رهبران آفریقایی اقامه دعوی کنند (Transparency International, 2011).

سازمان شفافیت بین‌الملل فرانسه علیه این تصمیم تقاضای استیناف داد و در نوامبر ۲۰۱۰ عالی‌ترین مرجع فرانسه یعنی دیوان عالی<sup>۱۵</sup> تصمیم دادگاه تجدیدنظر را رد کرد و حکم داد که سازمان شفافیت بین‌الملل، به‌عنوان یک سازمان غیردولتی، یکی از طرفین دعوای حقوقی پذیرفته می‌شود (Transparency International, 2011). اهمیت تصمیم دیوان عالی فرانسه تنها در ایجاد یک روبه حقوقی در فرانسه نیست؛ بلکه این تصمیم در واقع یک پیشرفت بزرگ در مبارزه علیه فساد محسوب می‌شود؛ زیرا یک سازمان غیردولتی (حتی بدون داشتن تابعیت با کشور قربانی) می‌تواند در موارد فسادهای کلان با اقامه دعوی پیگیری‌های حقوقی را آغاز کند.

بالاترین مرجع تجدیدنظر در فرانسه به قضات اجازه داد که در مورد پرونده فساد سه رهبر آفریقایی و بستگانشان تحقیق کنند. به این ترتیب یک قاضی تحقیق برای این امر برگزیده شد.

---

13. Equatorial Guinea

14. Gabon

15. Cour de Cassation



این قاضی مسئولیت داشت تعیین نماید در چه شرایطی مالکیت اموال مورد نظر به دست آمده است.

### ۳-۳-۲. رویه سوئیسی

یکی از پرونده‌های نمادین فساد و استرداد اموال پرونده ژان-کلود دووالیر<sup>۱۶</sup>، رئیس‌جمهور سابق هائیتی<sup>۱۷</sup> است. دووالیر در سال ۱۹۷۱ در سن نوزده سالگی بعد از مرگ پدرش به قدرت رسید. بر اساس گزارش بانک جهانی و سازمان ملل، دووالیر به‌طور متوسط به‌ازای هر سالی که در قدرت بوده است، تقریباً مبلغی معادل ۱/۷ تا ۴/۵ درصد از کل تولید ناخالص‌هایی را به تاراج برده است (World Bank, 2007). دووالیر زمانی که با شورش و کودتای احتمالی مواجه شد به فرانسه گریخت و با تکیه بر اندوخته‌ای که داشت همان سبک زندگی قبلی خود را ادامه داد (Willsher, 2011). در سال ۱۹۸۶ اندکی پس از خروج دووالیر، دولت جدید هائیتی به‌منظور پیگیری پول‌هایی که دووالیر از بودجه عمومی به تاراج برده و در سوئیس پنهان کرده بود از دولت سوئیس درخواست همکاری متقابل حقوقی کرد. در پاسخ به این درخواست، همکاری حقوقی متقابل از لحاظ کلی کاملاً اجرا گردید؛ حساب‌های بانکی مختلفی که متعلق خاندان دووالیر در زوریخ<sup>۱۸</sup>، ژنو<sup>۱۹</sup> و... بود، مسدود شدند. این مصادره‌ها شامل ۶/۵ میلیون دلاری که در یک حساب مشکوک در یکی از بانک‌های سوئیس سپرده شده بود نیز می‌شد. این حساب متعلق به بنیاد برولی<sup>۲۰</sup> بود که در لیختن‌اشتاین<sup>۲۱</sup> استقرار داشت و توسط مادر دووالیر از طریق یک شرکت پانامایی تأسیس شده بود (Asset Recovery Knowledge Centre, 2010).

در سال ۲۰۰۸، دادگاه بخش ژنو حکم داد که درخواست همکاری متقابل حقوقی سال ۱۹۸۶ غیرقابل پذیرش است و آن را پایان‌یافته اعلام کرد. استدلال دادگاه آن بود که طبق قانون سوئیس، وضعیت اعمال محدودیت برای ۲۰ سال اجرا می‌شود، در حالی که خروج دووالیر و اموال تاراج‌شده از کشور و افتتاح حساب‌ها مربوط به قبل از سال ۱۹۸۶ است، در نتیجه این دعوی مشمول مرور زمان خواهد بود. با این وجود، به موجب رأی شورای فدرال<sup>۲۲</sup> که در ۲۲ آگوست ۲۰۰۷ صادر شده بود، اموال همچنان مسدود باقی ماندند. در سال ۲۰۰۸ دولت هائیتی از تصمیم دادگاه، تجدیدنظرخواهی کرد و سرانجام در سال ۲۰۰۹ دفتر دادگستری

16. Jean-Claude Duvalier

17. Haiti

18. Zurich

19. Geneva

20. Brouilly

21. Liechtenstein

22. Swiss Federal Council

فدرال<sup>۲۳</sup> درخواست همکاری حقوقی متقابلی که در سال ۱۹۸۶ صادر شده بود را معتبر دانست و دستور داد که دارایی‌هایی که در حساب‌های بانک‌های سوئیس نگهداری می‌شوند به هائیتی بازگردانده شوند و به نحوی شفاف در برنامه‌های حقوق بشر دوستانه و اجتماعی به نفع مردم هائیتی هزینه شوند. با این حال، بنیاد برولی از این تصمیم تجدیدنظرخواهی کرد. در سال ۲۰۱۰ دادگاه فدرال حکم داد که دارایی‌ها را نمی‌توان به هائیتی بازگرداند، استدلال این رأی نیز مبتنی بر وضعیت محدودیت سپری‌شده و مرور زمان بود (Asset Recovery Knowledge Centre, 2010).

در سال ۲۰۱۰، سوئیس تلاش کرد تا برای این مشکل پیچیده راه‌حلی قانونی بیابد. به این ترتیب، قانونی جدید که بر استرداد اموال به کشورهای دارای دولت ناپایدار متمرکز بود را تصویب کرد. در اکتبر سال ۲۰۱۰، پارلمان سوئیس «قانون اعاده دارایی‌های غیرقانونی»<sup>۲۴</sup> را به تصویب رساند. این قانون در اول فوریه ۲۰۱۱ لازم‌الاجرا شد. این قانون که به قانون دووالیر<sup>۲۵</sup> معروف است به‌طور خاص به آن دسته از اموال تاراج‌شده موجود در سوئیس می‌پردازد که به دلیل کوتاهی دولت قربانی فساد، امکان استردادشان از طریق روش‌های معمول همکاری‌های حقوقی متقابل وجود ندارد. ممکن است کشور قربانی نتواند یا نخواهد از روش همکاری حقوقی متقابل استفاده کند، اما بر اساس نظر شورای فدرال مسدودکردن اموال برای تأمین منافع سوئیس لازم باشد. در این مواقع، شورای فدرال دستور مسدودکردن اموال را صادر می‌کند، همان‌طور که قانون اساسی سوئیس این اجازه را داده است (ماده ۱۴ قانون اعاده دارایی‌های غیرقانونی).

ماده ۱ قانون دووالیر بیان می‌دارد: «برای مسدودکردن، مصادره و اعاده اموال افرادی که به لحاظ مقام سیاسی در مظان اتهام هستند و نزدیکان آنها، زمانی که درخواست همکاری‌های متقابل به دلیل کوتاهی ساختار دولت در کشور درخواست‌کننده، قابلیت پیگیری را نداشته باشد، این قانون حاکم است...». بنابراین بار اثبات در «قانون اعاده دارایی‌های غیرقانونی» جابه‌جا می‌شود. دولت سوئیس تنها باید ثابت کند که نخست، مقدار اموال به نحو چشمگیری بیشتر از میزانی است که: یک مقام عمومی بتواند به‌دست بیاورد. دوم، کشوری که خاستگاه این اموال است به فساد شهرت دارد. فرض غیرمشروع بودن منشأ در این موارد اعمال می‌شود. بار اثبات بر دوش مقامات مظنون به فساد است که ثابت کنند منشأ اموال مورد ادعا قانونی است. به عبارت دیگر، اصل بر نامشروع بودن منشأ اموال است و کسی که خلاف آن را؛ یعنی

23. Federal Office of Justice (FOJ)

24. Restitution of Illicit Assets Act (RIAA)

25. Lex Duvalier

مشروع بودن منشأ را ادعا می‌کند، باید اقامه دلیل کند (ماده ۱۴ قانون اعاده دارایی‌های غیرقانونی). این قانون فراتر از تجویز کنوانسیون مبارزه با فساد در خصوص الزام به همکاری در صورت درخواست کشور قربانی، در موارد مشکوک به فساد به دولت سوئیس اجازه می‌دهد خود رأساً نسبت به انجام اقدامات تأمینی مناسب و تحقیق اقدام کند.

با وجود فرایند کند و دشوار پرونده دووالیر، این پرونده برای حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد تبدیل به یک نقطه عطف شد. این پرونده باعث شد به‌نحو جدی به مسئله فساد کلان و به‌خصوص وضعیت کشورهای دارای دولت ناپایدار در حوزه استرداد اموال، توجه شود. از جمله نتایج حاصله آن است که در سال ۲۰۰۷ بانک جهانی و سازمان ملل، «نهاد اقدام برای استرداد اموال به تاراج‌رفته»<sup>۲۶</sup> را تأسیس کردند. این نهاد، تأسیس شد تا به کشورهای در حال توسعه در امر رهگیری و استرداد اموالی که در نتیجه فسادهای کلان به تاراج رفته‌اند، کمک کند. در واقع، هدف وجودی «نهاد اقدام برای استرداد اموال به تاراج رفته» اجرای مؤثر بخش استرداد اموال کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد و سایر موازین بین‌المللی است که به دنبال شناسایی، بازداشتن و استرداد منافع ناشی از فساد هستند (World Bank Group and UNODC, 2011).

## فرجام

اموال به‌تاراج‌رفته از طریق فساد باعث کاهش بخش عظیمی از منابع عمومی و بودجه دولت می‌شوند. این امر اثرات جدی بر پاسخگویی دولت نسبت به شهروندان دارد. فساد و تاراج اموال ناشی از آن منابع لازم برای توسعه کشورها را ناپدید می‌کند. اموال تاراج‌شده اغلب در بانک‌ها و مراکز مالی کشورهای توسعه‌یافته پنهان می‌شوند. کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل متحد، تنها سند الزام‌آور حقوقی بین‌المللی است که به‌طور خاص به بهشت‌های امن فساد توجه کرده است. این کنوانسیون بر مسئله مشارکت و همکاری متقابل حقوقی در بخش استرداد اموال تأکید می‌نماید. همچنین کنوانسیون راهکارهایی را دربردارد که می‌تواند فرایند استرداد اموال را برای کشورهای در حال توسعه تسهیل کند.

با این حال، اجرای چارچوب‌های لازم برای همکاری حقوقی متقابل و مشارکت برای همه کشورها آسان نیست. مشارکت و همکاری حقوقی در وهله نخست نیازمند آن است که کشورها؛ هم کشور خواهان و هم کشور درخواست‌شونده، تمایل زیادی به همکاری داشته باشند. دیگر اینکه، اقدامات مربوط به استرداد اموال یکی از پیچیده‌ترین طرح‌های حقوقی است و به سطح

بالایی از اراده سیاسی و مهارت‌های حقوقی و حرفه‌ای نیازمند است. فقدان خواست سیاسی و مهارت موانع جدی بر سر راه استرداد اموال به کشورهای قربانی است.

همان‌گونه که مطرح شد در فرانسه سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به نیابت از کشور قربانی، دعوای استرداد اموال تاراج‌شده را نزد دادگاه اقامه کنند. در سوئیس قانون دووالیر به‌طور ویژه اختصاص دارد به دارایی تاراج‌شده موجود در سوئیس که به دلیل کوتاهی دولت قربانی فساد، امکان استرداد آنها از طریق کانال‌های معمولی همکاری‌های مشترک حقوقی امکان‌پذیر نیست. کاربست رویه‌های این دو کشور توسط سایر اعضای کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل متحد که بانک‌ها و سیستم مالی آنها برای مخفی کردن اموال تاراج‌شده به‌کار می‌روند، می‌تواند اقدامی اساسی در مبارزه با فساد در سطح جهانی باشد. البته پیش‌بینی راهکارهای لازم برای مرحله بعد از اعاده اموال که مانع از ناپدیدشدن مجدد این اموال از طریق فساد شود، امر دیگری است که مباحث خاص خود را می‌طلبد.

افزون بر اینها، با درنظرداشتن وضعیت خاص ایران؛ هم از جهت این‌که خود قربانی تاراج اموال و دارایی‌ها بوده و هست و هم از این جهت که در همسایگی کشورهای با درجه فساد بالا<sup>(۴)</sup> قرار دارد، جلب توجه به موارد زیر می‌تواند راهگشا باشد: ضرورت اصلاح نظام بانکی بر اساس رویکردهای شفافیت و ضدفساد با درنظرگرفتن صلاحیت‌هایی مانند توقیف موقت حساب‌های مشکوک، به‌منظور جلوگیری از تاراج اموال و دارایی‌های داخلی و همچنین جلوگیری از انتقال دارایی‌های نامشروع از کشورهای دیگر؛ اصلاح و تدوین قوانین و مقررات پیشگیرانه ناظر بر فساد مالی-اداری مقامات و کارگزاران، خاصه جرم‌انگاری ثروت‌اندوزی نامشروع؛ بهینه‌سازی کارکردی و اصلاح نهادهای مسئول در مبارزه با فساد از جمله دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور؛ ایجاد پلیس تخصصی مبارزه با جرائم اقتصادی، بانکی و مالی با صلاحیت‌های علمی و تخصصی لازم از جمله آشنایی با علوم حسابداری، بانکداری و مهارت‌های لازم در تحصیل و کشف دلایل در جرائم مالی؛ اقدام در جلب مشارکت منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص مبارزه با فساد در منطقه جغرافیایی فلات ایران و در صورت لزوم انعقاد توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه با همسایگان در خصوص معاضدت و مشارکت در مبارزه با تاراج و استرداد دارایی‌ها؛ اقدام نسبت به رسیدگی قضایی داخلی و صدور احکام مقتضی طبق ماده ۵۴ (۱) الف) کنوانسیون مبارزه با فساد برای شروع فرایند استرداد اموال و سپس طرح دعوای استرداد دارایی‌ها، بر اساس مفاد کنوانسیون مبارزه با فساد نسبت به دارایی‌های تاراج‌شده ایران با اولویت موارد اخیر تاراج اموال؛ جمع‌آوری مدارک و مستندات لازم

برای شناسایی دارایی‌ها و طرح دعوی استرداد نسبت به دارایی‌های تاراج‌شده توسط خاندان و دولتمردان رژیم پهلوی (با در نظر داشتن مرور زمان).

### پی‌نوشت‌ها:

(۱) مهم‌ترین اسنادی که در راستای مبارزه با فساد در سطحی جهانی و منطقه‌ای منعقد شده‌اند عبارتند از: Organization of American States Inter-American Convention against Corruption (OAS Convention), entered into force in 1997.

OECD Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials, entered into force in 1999.

Council of Europe Criminal Law Convention on Corruption, entered into force in 2002, and the Civil Law Convention on Corruption, entered into force in 2003.

Convention of the European Union on the Fight Against Corruption, involving officials of the European Communities or officials of member states, various protocols adopted in 1995, 1997, 1998, and 2003 (focused more narrowly on EU interests)

African Union Convention on Preventing and Combating Corruption, adopted in Mozambique in 2003.

UN Convention against Transnational Organized Crime, entered into force in 2003.

(2) UNCAC Signature and ratification status of UNCAC as of March of 2012, <http://www.unodc.org/unodc/en/treaties/CAC/signatories.html>

(۳) دیوان عالی کانادا در دعوی ایالات متحده آمریکا علیه برنز (United States v. Burns, 2001) استرداد مجرم را با توجه به امکان اعمال مجازات اعدام در صورت استرداد، مجاز نمی‌داند.

(۴) بر اساس ارزیابی سازمان شفافیت بین‌المللی افغانستان با رتبه ۱۷۲، عراق با رتبه ۱۷۰ و ترکمنستان با رتبه ۱۶۹ کشورهایی با بالاترین درجات فساد اداری-سیاسی و مالی هستند. دو همسایه دیگر ایران یعنی پاکستان و جمهوری آذربایجان نیز اگرچه تا به این حد فاسد ارزیابی نمی‌شوند ولی با رتبه ۱۲۶ در این ارزیابی موقعیت چندان مطلوبی را ندارند (Transparency International, 2014).

### منابع فارسی

باقرزاده، احد (۱۳۸۳)، *جرایم اقتصادی و پولشویی در پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین‌المللی*، تهران: مجد.

بهره‌مند بگ‌نظر، حمید (۱۳۸۷)، «دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد»، *رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پاک‌جو افشین و منصور آقامحمدی (۱۳۹۰)، *آشنایی با اصول استرداد دارایی‌های ناشی از فساد*، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.

پایگاه مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری (بی‌تا). *بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی*، بازیابی شده ۱۲، ۱۳۹۲، مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری:

<http://www.nahad.gov.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=960fede3-81f4-4f39-8034-a4832114ae1f&WebPartID=0ad9bfd3-2262-486b-80f2-8e06220d2bf1&ID=9985e9ee-c411-46e6-8ae2-ed7e00954fcf>

دلیر، حمید (۱۳۹۰). *حقوق مصادره*، تهران: میزان.

ربیعی، علی (۱۳۸۳). *زنده باد فساد*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رحمانی، حلیمه (۱۳۸۹). «۹+۴۰ توصیه در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم»، *فصلنامه حسابرس*، شماره ۴۹: ۹۸-۸۸.

رز-اکرم، سوزان (۱۳۸۵). *فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح*، ترجمه منوچهر صبری، تهران: شیرازه. زاپالا، سالواتور (۱۳۸۵). «مقام‌های ارشد کشوری و مصونیت کیفری بین‌المللی»، ترجمه عبدالمجید سودمندی، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱: ۳۱۶-۲۹۷.

شاطری‌پور اصفهانی، شهید (۱۳۸۸). «پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم در کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳)»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال چهارم، شماره ۱۰: ۸۱-۱۰۲.

طیبه‌فرد، امیرحسین (۱۳۸۴). «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲: ۳۰۵-۲۵۹.

غلامی، حسین (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی: اصول و روش‌ها»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال پنجم، شماره ۴: ۵۵-۳۶.

لانگست، پیتر (۱۳۸۷). *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ‌نظر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محمدی، حمید (۱۳۷۵). *ضبط، مصادره و استرداد اموال*، تهران: گنج دانش.

میدری احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب: بنیان توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نواده‌تویچی، حسین (۱۳۸۹). «چالش‌های فراروی اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد در کشور»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۷: ۲۴۳-۲۱۷.

## منابع لاتین

Asset Recovery Knowledge Centre (2010), *Jean-Claude "Baby Doc Duvalier"*, Retrieved Jnuary10, 2012:

<http://www.assetrecovery.org/kc/node/558ce875-a33e-11dc-bf1b>

335d0754ba85.0;jsessionid=3DE2779999D8453D705472EE9806D431

Dulin, A. & J. Merckaert (2007), *Biens Mal Acquis... Profitent Trop Souvent: La Fortune des Dictateurs et les Complaisances Occidentals* [pdf] Paris: Comité Catholique Contre

- la Faim et pour le Développement (CCFD), Retrieved September 10, 2011: [http://www.ccfid.asso.fr/e\\_upload/pdf/biens-mal-acquis.pdf](http://www.ccfid.asso.fr/e_upload/pdf/biens-mal-acquis.pdf)
- Greenberg, T.S, Samuel, L.M. and W.Grant (2009), *Stolen Asset Recovery Guide to Non-Conviction Based Forfeiture*. [E.Book] Washington: Stolen Asset Recovery Initiative (Star), Retrieved January 15, 2012:  
<http://siteresources.worldbank.org/EXTSARI/Resources/NCBGuideFinalEBook.pdf>
- Mwenda, K.K (2011), *Public International law and the Regulation of diplomatic Immunity in the Fight against Corruption*. Cape Town: Pretoria University Law Press (PULP).
- O'Donnell, M (2006), *Post-conflict Corruption: a Rule of Law Agenda?* In: A. Hurwitz and R. Huang, ed. 2006. Civil War and the Rule of Law. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- OECD (2009), *Integrity in State Building: Anti-Corruption with a State Building Lens*. Paris: OECD, Retrieved September 18, 2011.  
<http://www.oecd.org/dataoecd/26/31/45019804.pdf>
- Orre, A. and H.W. Mathisen (2008), Corruption in Fragile States [pdf], Copenhagen: Danish Institute for International Studies, DIIS Policy Brief, Retrieved December 19, 2011:  
[http://www.diis.dk/graphics/Publications/Briefs2008/PB2008\\_10\\_Corruption.pdf](http://www.diis.dk/graphics/Publications/Briefs2008/PB2008_10_Corruption.pdf)
- Transparency International (2008), *Transparency International (France) Lodges a Civil Party Petition in Stolen Assets Case*, Retrieved September 23, 2011:  
<http://www.transparency.org/content/download/39061/619208>
- Transparency International (2011), Recovering *Stolen Assets: A Problem of Scope and Dimension*. [pdf] Working Paper No 02/2011, Retrieved January 28, 2011:  
[http://www.transparency.org/content/download/60072/963011/WP\\_Asset\\_Recovery\\_31\\_March\\_2011\\_FINAL.pdf](http://www.transparency.org/content/download/60072/963011/WP_Asset_Recovery_31_March_2011_FINAL.pdf)
- Transparency International (2014), *Corruption Perception Index*, Retrieved October 31, 2015: <https://www.transparency.org/cpi2014/results>
- Willsher, K (2011), *Jean-Claude Duvalier's Turbulent Years in Exile*, The Guardian, [online] 17 January. Retrieved December 25: <http://www.guardian.co.uk/world/2011/jan/17/jean-claude-duvalier-baby-doc>
- World Bank (2007), *Stolen Asset Recovery (StAR) Initiative: Challenges, Opportunities, and Action Plan*, Washington DC: World Bank. Retrieved December 19, 2011:  
<http://www.unodc.org/documents/corruption/StAR-Sept07-full.pdf>
- World Bank (2010), *Stolen Asset Recovery: Toward a Global Architecture for Asset Recovery*. Washington DC: World Bank Retrieved December 19, 2011:

[http://www.unodc.org/documents/corruption/Publications/StAR/StAR\\_Publication\\_Global\\_Architecture.pdf](http://www.unodc.org/documents/corruption/Publications/StAR/StAR_Publication_Global_Architecture.pdf)

World Bank Group and United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC) (2011), *Stolen Asset Recovery Initiative (StAR)*, Retrieved March 10, 2012:

[http://www1.worldbank.org/finance/star\\_site/about-us.html](http://www1.worldbank.org/finance/star_site/about-us.html)

